

مبانی فکری و فلسفی ابوعلی سینا

مهندس علی نجات بخش اصفهانی*
عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی

چکیده:

شیخ‌الرئیس (حُجَّه‌الحق)، ابوعلی حسین ابن عبدالله بن سینا، یکی از برجسته‌ترین^(۱) فلاسفه^(۲) و حکمای اسلامی است که در سال ۱۳۷۰ هـ ق در دره خرمشین از توابع بلخ متولد شد و به عنوان یک دانشمند مسلمان شیعه اثنی‌عشری در زمان نوح ابن سامانی (نهمین پادشاه سامانی) محیط و عصر سیاسی خود را تحت تأثیر عقاید و اندیشه‌های تابناک خود قرار داد.

حکیم ابوعلی سینا دارای هوشی خارق‌العاده با $IQ = ۲۰۰$ ^(۳) و لحن جاذب و جالب و شخصیتی احترام‌انگیز بود. وی با زبردستان بسیار مهربان و در مورد بیماران بی‌اندازه فروتن و دوست، غمخوار و هم‌درد آنان بود.

از اساتید بارز بوعلی می‌توان ابو عبدالله ناتلی در بخارا و اسماعیل زاهد را نام برد و گفته می‌شود: "اقلیدس" بعد از "کمی مطالعه ناتلی به من گفت که خود مطالعه کن". هم دوره‌ای‌های وی ابوریحان بیرونی، ابوسهل مسیحی و از معاصرین ابن‌خمار بوده است.

تخصص حکیم ابوعلی سینا دانشنامه^(۴) نویسی و فلسفه بوده و از جمله مهارت‌های وی را می‌توان فردی فیزیولوژیست^(۵)، پزشک^(۶)، ریاضی‌دان^(۷)، منجم، شاعر، حکیم^(۸)، لغت‌شناس، معلم فقیه، روان‌شناس^(۹)، سیاست‌مدار^(۱۰)، وزیر، مدبر، عارف، و مخترع^(۱۱)، معرفی کرد. در این مقاله سعی شده با یک روش نظام یافته در ۱۴ فصل گوشه‌ای از مبانی فکری فلسفی این حکیم فرهیخته را مطرح نمائیم چنانچه ملاحظه می‌کنید ابتدا مشخصات فردی، ویژگیهای شخصی، علایق، محیط خانواده و محیط سیاسی وی را مطرح آن‌گاه به ذکر اساتید و شاگردان وی، همدوره‌ای‌ها، نوع تخصص‌ها و القاب حکیم را بیان کرده‌ایم در فصول پایانی این تحقیق به ذکر آثار و ابعاد فکری فلسفی او و تفاوت نوع

- 1- Excellent
- 2 - Philosophers
- 3- Intelligent coefficient
- 4- University degree writer
- 5 - Physiologist
- 6 - Doctor
- 7 - Mathematician
- 8- Philosophers
- 9 - Psychologist
- 10 - Politician
- 11 - Inventor

*آدرس: تهران- انتهای اتوبان شهید همت- زیبا دشت- دانشگاه علوم انتظامی تلفن همراه: ۰۹۱۲۳۰۷۰۳۹۷

نگرش وی^(۱۲) با سایر فلاسفه، انواع حکمت‌های علمی، نظری، حکمت طبیعی و طبیعات^(۱۳) را پایان بخش تحقیق فوق قرار داده‌ایم جای بسی شکرگذاری است که از دامن پر مهر دین مبین اسلام چنین شخصیتی پا به عرصه وجود بگذارد که در این عصر یعنی قرن انفجار اطلاعات نام و شخصیت فیلسوف شهیر فوق زبان زد عام و خاص در داخل و خارج باشد. امید است با انتشار مقاله فوق در سطح بین‌المللی بتوان خدمت هر چند ناچیزی به مسلمانان جهان و عرصه علم و حکمت و فلسفه نمود.

- | | |
|----------------|--|
| ۱- مشخصات فردی | ۱. ۱. تولد: ۳۷۰ هـ. ق (۹۸۰ م)، ۳۷۳، ۳۶۳
۲. ۱. متوفی ۴۲۸ هـ ق (۱۰۳۷ م)
۳. ۱. ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا
۴. ۱. نام پدر: عبدالله
۵. ۱. نام مادر: ستاره (از روستای افشنه
۶. ۱. محل تولد: ده خرمشین از توابع بلخ
۷. ۱. نام برادر: محمود (۵ سال کوچکتر و علی)
۸. ۱. دین: اسلام (شیعه اثنی عشری) |
|----------------|--|

- | | |
|--------------------|---|
| ۲- ویژگیهای شخصیتی | ۱. ۲. اندامی ورزیده، قوی بنیه، بلند بالا، تمایلات جسمانی زیاد.
۲. ۲. بسیار خوش قیافه و بی‌اندازه متین و موقر
۳. ۲. دارای هوشی خارق‌العاده ($IQ = 200$) ضریب هوشی).
۴. ۲. لحن "بیان جالب" و جاذب و شخصیتی احترام برانگیز.
۵. ۲. جامعه تمیز و آراسته می‌پوشید و در اجتماعات ظاهر می‌شد.
۶. ۲. خشن و شدیدالحن دارای قلبی بسیار حساس.
۷. ۲. با زیردستان بسیار مهربان بود و کودکان را بسیار دوست می‌داشت.
۸. ۲. در مورد بیماران بی‌اندازه فروتن و دوست و همدرد آنان بود.
۹. ۲. ریش کوتاه می گذاشت که برازنده چهره جذاب او بود. |
|--------------------|---|

- | | |
|----------|---|
| ۳- علایق | ۱. ۳. علاقمند
۱. ۱. ورزش
۲. ۱. ۳. موسیقی
۲. ۳. بیان عقاید خود نسبت به مسائل مختلف در مجالس رسمی.
۳. ۳. هر اندازه قیود و تشریفات در آن حکمفرما بود بی‌پروا با کمال صراحت بیان می‌داشت.
۴. ۳. برای اثبات عقاید خود و رد عقاید دیگران به هر مقامی حمله کرد. |
|----------|---|

مبانی فکری
و فلسفی
ابن سینا

- ۴- محیط خانواده
۴. ۱. پدر اهل بلخ (ایالت بزرگی در خراسان قدیم و اکنون جزئی از افغانستان و ترکمنستان است) و در روزگار نوح بن منصور (نهمین پادشاه سامانی) از بلخ به بخارا (ماورالنهر قدیم) آمد.
 ۴. ۲. فرمانروای روستای خرْمِشین و از دیوانیان دستگاه سامانیان شد.
 ۴. ۳. مادرش را از دهستانی نزدیکی آن ده بنام افشنه گرفت و وطن گزید و متولد شد.
 ۴. ۴. بعد از وی برادرش محمود (۵ سال بعد) متولد شد.
 ۴. ۵. سپس به شهر بخارا آمدند (حدود ۱۰ ساله)
 ۴. ۶. پدر و برادرش دعوت اسماعیلیه مصر را اجابت کرده بودند و با هم مذاکره می نمودند.
 ۴. ۷. ابن سینا فکر آنها را قبول نمی کرد و بیشتر به شیعی بودن اشتهار داشته است.
 ۴. ۸. احتمالاً فارسی نویسی او یکی از راههای مبارزه او علیه فرهنگ سلطه گر زمانش بود.
۵. محیط سیاسی
۵. ۱. دوره نوح بن منصور سامانی (نهمین پادشاه سامانی)
 ۵. ۲. سبب شهرت وی درمان نوح بن منصور سامانی که سایر اطباء از معالجه در سن ۱۷ سالگی عاجز بودند.
 ۵. ۳. درخواست نمود خدمتی برای وی انجام دهد و آنچه را لازم دارد در اختیارش قرار دهد. همچنین درخواست نمود که شیخ برای همیشه در دربار او باشد و ملازم وی می گردد.
 ۵. ۴. بوعلی نیز درخواست نمود از کتابخانه بزرگ دربار استفاده نماید موفق شد.
 ۵. ۵. از تقرّب به دربار محمود مسعود غزنوی امتناع داشت سپاهیان آتارش را از بین بردند.
 ۵. ۶. توصل او به دربار علاءالدوله و خاندان کاکویه شیعی مذهب بود. (۱۴ سال در آرامش دیلمی بود)
 ۵. ۷. سلطان محمود مطلع گردید که در دربار خوارزمشاهی دانشمندانی چون بوعلی و ابوریحان اشتغال دارند ابن میکال را فرستاد که بوعلی و بوسهل نپذیرفتند گرگان را ترک و به طرف گرگان.
۶. اساتید وی
۶. ۱. پدرش سریع به استعداد و لیاقت فرزند خود آگاه گشت و اقدام نمود.
 ۶. ۲. مردی سبزی فروش (بقال): حساب و هندسه و جبر و مقاله را نزد "محمود مساح" که بقالی نیز می کرده آموخت.
 ۶. ۳. ابوعبدا... ناتلی در بخارا مدعی حکمت و فلسفه بود شروع به خواندن "ایساغوجی" نمود یعنی (منطق را نزد او آموخت) و این نوعی فلسفه عمومی زبان است. "اقلیدس" بعد از کمی مطالعه ناتلی به من گفت که خود مطالعه کن. تا جایی که بعضی موارد را من به او می فهماندم (در ۱۴ سالگی بروی پیشی گرفت).
 ۶. ۴. پیش پیش از ناتلی نزد اسماعیل زاهد تحصیل فقه می کرد.
۷. شاگردان وی
۷. ۱. ابوعبید جوزجانی
 ۷. ۲. ابولحسن و ابنزیه

۷.۳. بهمنیار بن مرزبان

۷.۴. ابو عبدالله معصومی

۸. همدوره‌ایها: ابوریحان بیرونی، ابوسهل مسیحی و معاصرین ابن خمار و...

۹. تخصص | دانشنامه‌نویس، فیلسوف، فیزیولوژیست، پزشک

ریاضی‌دان، منجم، شاعر، حکیم، لغت‌شناس، معلم

فقیه، روانشناس، سیاستمدار، وزیر، مدیر، عارف، مخترع و...

۱۰.۱. القاب | ۱۰.۱. الشیخ‌الرئیس: یعنی شیخ و سلطان علما

۱۰.۲. حجه‌الحق

۱۱. آثار | در فهرستها و منابع تاریخی و رجالی حدود ۴۵۶ یا ۵۰۰ و بلکه بیشتر کتاب و رساله و مقاله و غیر به ابن‌سینا نسبت داده‌اند (جرج قندانی و دکتر مهدوی فهرست نموده‌اند) و مهمترین آثار وی: (۱۸۵ در ابن‌سینا)

۱. شفا: مهمترین و جامع اثر فلسفی شیخ دوره کامل منطق، طبیعیات، تعلیمات (هندسه، هیأت، ارثما طبی، موسیقی) و الهیات است، نخستین کتاب جامع در فلسفه اسلامی است در سال ۱۵۰۸ م بخشهای درو نیز چاپ رسیده است.

۲. الانتشارات و التنبیها: در منطق و حکمت طبیعی و الهی، مختصر از شفا آخرین اثر وی است، دارای ایجاز رئوس مسائل و مباحث فلسفی به نقد امام فخر رازی رسیده (جرح)

۳. النجاه: در اقسام حکمت نظری است قسمت علوم تعلیمی (ریاضی) آن را ابو عبید جوزجانی از روی دیگر آثارش فراهم آورده است.

۴. دانشنامه علایی: اثر فارسی اواخر عمر به دستور علاءالدوله کاکویه به رشته تحریر درآمده که فرانسه و انگلیسی نیز ترجمه شده است.

۵. قانون: مبسوط‌ترین اثر وی در طب قرن‌ها مورد توجه طبیبان اسلامی و اروپایی بوده است. (در سال ۱۹۵۳ در ۸۴۰ صفحه در روم چاپ شده).

۶. دیگر آثار وی: حی‌بن یقظان در تمثیل عرفانی در قلعه فردجان زمانی که زندانی بوده به تصنیف درآورده است.

- اثبات النبوه: نظریه در مورد نبوت

- سبع مقالات: مقالات هفتگانه جهت احمد بن محمد سهلی

- لسان العرب: میان شیخ و ابومنصور جیان در مجلس علاءالدوله پیرامون مسائل لفظی و لغوی کار به مشاجره کشیده شده است سپس شیخ به تألیف این اقدام نمود.

- مبدأ و معاد

۷. ابن سینا و لغت پارسی: نیرو و استعداد کم نظیر در علم لغت داشته به طوریکه طی سه سال جمیع

کتاب موجود در لغت را مطالعه نموده (از جمله تهذیب اللغه از هری از خراسان ۹ و کتاب "لسان

مبانی فکری
و فلسفی
ابن سینا

العرب“ را تصنیف نمود که هنوز آن را مرتب ننموده بود که وفات یافت برخی واژه‌هایی که ابن سینا به پارسی برگردانده:

سکون = آرامش، ساکن = آرمیده، استحکام = استواری
 ترکیب = آمیزش، عضو = اندام. دقیق = باریک
 مانع = بازدارنده، نمو = بالش، صعود = برشدن
 جوانان = برنایان، لامسه = بساوا، شامه = بویا
 باصره = بینا، سامعه = شنوا، گودی = مغاک
 عرض = پهنا، اتصال = پیوند، کیفیت = چگونگی
 تولید = زایش، جوهر = گوهر، کنار، طرف، حاشیه = کران
 ۸. داستان سلامان و آبسال (ص ۶۳ کتاب ابن سینا به روایت)

۱۲. دانستنیها درباره ابن سینا:

۱۲. ۱. اگر در مسأله‌ای هیران می‌ماندم به مسجد جامع می‌رفتم و نماز می‌گذاردم و نزد مبدع کل، ابتهاج و تضرع می‌کردم تا آن که بر من منکشف می‌گردید.
 ۱۲. ۲. چهل‌بار “مابعدالطبیعه” ارسطو را مطالعه کردم و چیزی از آن نفهمیدم تا اینکه “اغراض مابعدالطبیعه” فارابی را اتفاقی یافتم و اغراض آن کتاب نیز معلوم گردید.
 ۱۲. ۳. معالجه امیر نوح سامانی از بیماری سفتی عضلات با معاینه و تشخیص مناسب (که همه پزشکان از معالجه درمانده و پس انداختند) بوسیله ماهی رعاده (لرزمایی) (شکار خود را با نیروی الکتریسیته ۳۰ ولت می‌کند) دو حوض حیاط امیر بصورت تخت در قفسی چوبی قرار داد.
 ۱۲. ۴. ابن سینای روانشناس، در کتاب قانونش بحث‌هایی درباره روانشناسی و روان‌پزشکی دارد که واقعاً مایه تعجب است.

۱۲. ۵. سؤال و جوابهایی میان ابوعلی سینا و ابوریحان بیرونی مطرح شده است (۲۶ سؤال مانند چرا فلک بی‌وزن است؟ به چه دلیل فلک کون و فساد نمی‌پذیرد؟ و...)

۱۲. ۶. فلاسفه اسلامی | مشاء: نماینده کامل ابوعلی سینا: این افاده روش مشاء نیست.

مشائیان: پیرو ارسطو، مشاء = (بسیار) راه رونده

روش: استدلال و تفکرات عقلی

”استدلالی“ مشاء: ارسطو عادت داشت در حال قدم زدن و راه رفتن افاده و افاضه کند.

اشرافیان: سر دسته شیخ شهاب‌الدین سهروردی (قرن ۶)

پیرو افلاطون اشراق = تابش نور

روش: استدلال و تفکرات عقلی + سلوک قلبی و مجاهدات تنفس و تصفیه آن

۱۲. ۷. تعلیم و تربیت در عهد او آزاد بوده و علم و دانش وسیله معاش نبوده است تا جایی که بقال و سبزی‌فروشی “عوام شهر بخارا” عالم و دانشمند بوده‌اند)

مبانی فکری
و فلسفی
ابن سینا

۱۲. ۸. بوعلی در نوشتن کتاب و رساله‌های علمی سرعت قلم داشته و در خلال عمر پربرکت‌اش منشاء خدمات بی‌نظیر بوده است.
۱۲. ۹. نسبت به دستورات دینی و شعائر مذهبی اهتمام تمام داشته اهل عبادت و وظایف شرعی بوده و در قرأت قرآن و حفظ و تفسیر آن سعی می‌نمود. و یا اعتقاد بر آنها می‌پرداخته است.
۱۲. ۱۰. زندگی با لذت و شادی و خوشی و شادکامی را برزهد و درویی و انزوا و گوشه‌گیری ترجیح می‌داده است.
۱۲. ۱۱. یکی از موجبات موفقیت او در طبابت آگاهی او به روانشناسی و تشخیص صحیح بوده است.
۱۲. ۱۲. گرچه تخصص او بیشتر در فلسفه و طب بوده و لیکن جامعیتی را که هر فیلسوفی در علوم زمان خود دارد، او نیز داشته بوده است.
۱۲. ۱۳. هوش و استعداد سرشار وی موجب گشته که استادانش برای او بیشتر نقش استاد راهنما داشته باشند.
۱۲. ۱۴. خطوط تغییرات و تحولات علمی روزگار خود را فعال می‌نمود و در جستجوی کتابهای جدید و افکار نو بوده است دلان کتاب و... را می‌شناخت.
۱۳. فلسفه یا حکمت: فلسفه درباره همه واقعیات عالم وجود بحث می‌کند و بنابراین را در برمی‌گیرد و همه حقایق کلی را چه در مورد جهان و چه در مورد انسان درباره مبدأ عالم مورد تحقیق قرار می‌دهد.

انواع حکمت	۱. نظری: بحث از اموری است که هستی آنها به فعل و اختیار ما نیست و ناشی از ما و قائم به ما نیست مانند زمین، آسمان، نبات و حیوان
	فایده: استکمال نفس و تبدیل عقل بالقوه به عقل بالفعل
انواع حکمت نظری	۱. الیهات (فلسفه اولی، ما بعدالطبیعه، حکمت اولی، علم الهی، علم کلی نه در خارج محتاج ماده‌اند و نه در ذهن احتیاج به تصورات ماده دارند مانند عقل، هستی، وحدت، علیت و معلولیت و ذات و صفات واجب تعالی
	۲. ریاضیات (علوم ریاضی، حکمت وسطی، علوم تعلیمی، تعلیمات) اموری که در تحقق خارج محتاج ماده‌اند و در وجود ذهنی بی‌نیاز از تصور ماده (مثلث، مربع، کره)
	۳. طبیعیات (حکم شغلی، علم طبیعت) هم در خارج محتاج ماده‌اند و هم تصوراتشان مستلزم تصور ماده در ذهن نیز نمی‌توان آنرا بدون تصور جسمیت تصور کرد (جسم. معدنیات، نباتات، حیوانات و انسان)
	۲. عملی: به مسائلی می‌پردازد که برای عمل کردن است و به تعبیر دیگر موضوع آن اموری است که هستی آنها را از ما و قائم به فعل ما است. مانند: عدل، احسان، شجاعت، وظایف زن و شوهر نسبت به یکدیگر و آیین ملکداری غایب حکمت عملی اولاً استکمال قوت نظری و به وسیله کسب آراء و عقاید صائب در مورد اعمال انسان و ثانیاً استکمال قوت عملی با تحقق بخشیدن به خیر و سعادت دنیوی و اخروی.
	۱. علم اخلاق (فن اخلاق یا صناعت اخلاق)

قواعد اخلاق (برای تأمین سعادت فرد است)

- انواع ۲. علم تدبیر منزل (فن تدبیر منزل، صناعت تدبیر منزل)
 حکمت قواعد تدبیر منزل برای سعادت جمعی محدود و کوچک یعنی خانواده
 عملی ۳. علم سیاست مدن (فن سیاست مدن، صناعت سیاست مدن)
 سیاست مدن برای اصلاح و سعادت جامعه است.

۱۴. حکمت طبیعی یا طبیعیات: حکمت طبیعی درباره جسم از لحاظ حرکت و دگرگونیهای مختلف که بر آن عارض می‌شود بحث می‌کند. بنابراین قلمرو بحث آن همین عالم محسوس مادی و امور مادی است.

۱. حرکت: لفظ "حرکت" یا "جنبش" در اصل برای تغییر جا وضع شده است اما در اصطلاح فلسفه معنی عام‌تری دارد و جز "تغییر جا" معانی دیگر نیز شامل می‌شود مثلاً:

در سیب: شکوفه ← سبز ← زرد یا سرخی ← از طرفی تلخی ← ترشی ← شیرینی
 در انسان: فربه شود لاغر شود یا رنگ چهره‌اش بر اثر تابش آفتاب تغییر یابد (آرام آرام) و نیز در آب: آبی که بتدریج بر اثر گرما تدریجاً گرم شود.

پس ← حرکت عبارت است از تبدیل و تغییر تدریجی حالتی از حالات جسم و به عبارت دیگر جدا شدن از حالتی است و توجه به حالتی دیگر.

این حرکت را حرکت تدریجی که در مقابل کون و فساد است می‌نامند.

لذا تغییر | دفعی یا آنی: کون و فساد: مثل بخار شدن آب، یخ بستن آب

تدریجی: حرکت عبارت از این است که حالت جسم از لحاظ کم و کیف این وضع یا حال قبل و حال بعد متفاوت باشد یا تبدیل قوه به فعل تدریجاً یا خروج تدریجی شیء از حالت قوه به سوی فعل که این حالت تعریف زمان و حرکت موقوف به یکدیگر می‌شود برای اینکه به دور نیفتد ابن‌سینا حرکت را اینگونه تعریف می‌کند: حرکت عبارت است از:

"کمال اول برای آنچه بالقوه است"

هم ممکنات عالم از جهاتی بالقوه‌اند و از جهاتی بالفعل و تنها ذات الهی است که فعل محض است. مثلاً: غوره بالفعل سبز و ترش است این دو صفت برای او فعلیت دارد اما بالقوه زرد و شیرین است. جسمی بالفعل در فلان مکان قرار دارد و بالقوه شاغل مکان ثانی است. یعنی استعداد و شایستگی بودن در مکان دیگر را دارد. مکان خود ساکن بالقوه متحرک است و بالقوه متحرک است و بالقوه شاغل مکان ثانی است. یعنی دو قوه در آن هست: یکی قوه توجه به مقصد، دیگری قوه وصول به مقصد این است که می‌گویند:

"حرکت کمال اول است برای آنچه بالقوه است"

پس حرکت امری است ممتد بین قوه محض و فعل محض

۱۴. ۱. ۱. تقسیمات حرکت | ۱. حرکت از لحاظ اینکه در چه مقوله‌ای است.

۲. اقسام حرکت از مبدأ حرکت.

۱۴. ۱. ۱. مقوله‌ای تصریح ارسطو: تصریح در سه از مقولات عشر واقع می‌شود (۱. ۲. ۳).
۱. کم (کمی): درشت شدن میو درخت، نمو انسان، درخت و حیوان لاغری انسان و حیوان.
۲. کیف (کیفی): سیاه شدن رنگ انسان بر اثر تابش خورشید، زرد و سرخ شدن میوه، شیرین یا ترش شدن، سرد و گرم شدن، این نوع حرکت را استحاله می‌نامند.
۳. این: مانند راه رفتن انسان و حیوان، پرتاب شدن سنگ، سقوط سنگ از کوه، حرکت رودخانه و... عامه مردم وقتی لفظ "حرکت" را بکار می‌برند مقصودشان همین حرکت است.
۴. وضعی: حرکت کره به گرد محور خود و حرکت سنگ آسیاب به گرد قطب خود.

۱۴. ۱. ۲. اقسام حرکت از مبدأ

۱. حرکت طبیعی: حرکت جسم بسوی حیز طبیعی خود یا حیز آب، حیز هوا، حیز آتش بسوی حال طبیعی خود حیز خاک، زیر همه عناصر هر جسمی به هر علتی از حیز طبیعی دور شود میل طبیعی آن برای بازگشت به حیز اصلی، آن را به سوی حیز طبیعی به جنسیتش در می‌آورد یا بسوی مرکز است یا بسوی محیط و به هر حال حرکتی است محدود و متناهی.
۲. حرکت قسری (جبری): آن است که محرکی خارج از جسم آن را به جبر برخلاف میل طبیعی آن و بر خلاف حال طبیعی آن به حرکت در آورده باشد مانند آن که آب یا سنگ را به بالا بیفکنند یا جسمی را بسوی خود بکشند این حرکت نیز محدود و پایان‌پذیر است.
۳. حرکت ارادی: حرکتی است که از موجود صاحب نفس به خواست و اختیار سر می‌زند مانند راه رفتن انسان و حیوان.
۱۴. ۲. مکان: حرکت و سکون با زمان و مکان کاملاً ارتباط دارد. و به همین جهت مکان و زمان نیز از جمله مباحث علم طبیعی است.
- سکون جسم در مکان است، و حرکت آن از مکان است و به سوی مکان است و در مکان است. یعنی هم مبدأ و هم منتهی و هم مسافت هر سه مکانند. و خلاصه هر جسم چه در حال سکون و چه در حال حرکت همواره شاغل مکانی است.
۱. دلایل ابن سینا برای اثبات مکان.
۱. وجود مکان را با استناد به حرکت اجسام می‌توان کاملاً مدلل ساخت.

چه ما می‌دانیم که انتقال عبارت است از جدا شدن شیء از شیء دیگر و ما می‌بینیم که جسم وقتی جدا می‌شود و از چیزی فاصله می‌گیرد همه اعراض از شکل و رنگ و جز آن با آن است و جسم از آنها جدا نمی‌شود پس ناچار از چیز دیگر جدا شده است که همان مکانی است که در آن بوده است و آن را تغییر داده است.

۲. دلیل دیگری از راه تعاقب:

ما می‌بینیم که جسمی حاضر است و سپس می‌بینیم که غایب می‌شود و جسم دیگری جایگزین آن می‌شود. کوزه پر آب ← خارج شدن آب ← داخل شدن هوا ← پر کردن روغن ← خارج شدن هوا بداعت عقل حکم می‌کند که اشتراک در امر مایعات مکان است.

پس ← امری هست که این مایعات به ترتیب و توالی آن را به خود اختصاص می‌دهند و آن همان مکان است.

۲. اوصاف مکان:

۱. مکان آن است که جسم در آن قرار دارد.
۲. جسم با حرکت خود از مکانی که در حال سکون اشتغال کرده جدا می‌شود.
۱۴. ۲. ۲. ۳. با جسمی که در یک مکان است جسمی دیگر نمی‌گنجد.
۱۴. ۲. ۲. ۴. مکان جسمهائی را که بدان منتقل می‌شوند می‌پذیرد (البته یکی را پس از دیگری)

۱۴. ۳. زمان: زمان برخلاف مکان امری است ناپایدار و گذرنده و به هیچ وجه قرار ندارد. هر لحظه آن که فرا می‌رسد مستلزم آن است که لحظه‌های قبل معدوم شده باشد و بنابراین لحظه حاضر بین دو عدم قرار دارد. (مستقل معدوم و ماضی معدوم)

”زمان عبارت است از مقدار حرکت“

”زمان عبارت است از مقدار حرکت مستدیر فلک الفلاک“

۱۴. ۴. عناصر چهارگانه- طبقات عالم مادی

- | | |
|---|--|
| <p>اجسام</p> <p>۱. بسیط: همه اجزای آن متشابه و یکسان باشد و آن منحصر است به جرم افلاک و عناصر ۴ گانه (خاک، آب، هوا، آتش) عناصر ۴ گانه قبول کون و فساد می‌کند در حالیکه افلاک کون و فساد نمی‌پذیرد.</p> <p>۲. مرکب: جسمی که از اجزای ناهمسان تشکیل یافته مانند: نبات و حیوان که از عناصر بسیط تشکیل یافته‌اند.</p> | <p>مبانی فکری
و فلسفی
ابن سینا</p> |
|---|--|

۱۴. ۵. اجسام زنده: عناصر چهارگانه معمولاً به حال بساطت نمی مانند و در هم می آمیزند که آمیزش آنها موجودات گوناگون به وجود می آید. نخستین آمیزش معدنیات است مانند زر و سیم و یا قوت و زمرد و نمک و نفت و غیره و.....

۱۵. نظرات فلسفی در منطق شامل: منطق کلامی، مقولات، تفسیر، قیاس، برهان، جدل، سفته، خطابه، فنون شاعری. ۱۵. ۱. منطق: نظریات خود را در منطق کم و بیش بر الگوی شرح فارابی بر ارغنون (ORGANON) یا منطق ارسطو بسط می دهد در دو اثر النجاه و الانتشارات آمده است. ابن سینا علم منطق را به ۹ بخش فرعی تقسیم می کند که عملاً مطابق است با رساله ارسطو به علاوه ایساغوجی (Isagog) یا مقدمه فرفوریوس که در قرون وسطی یکی از معروفترین آثار در شرق بوده است.

فصول منطق از نظر ابن سینا

۱۵. ۱. ۱. مطابق همان ایساغوجی است، نوعی فلسفه عمومی زبان است که اجزای کلام و عناصر مجرد آنرا مطرح می سازد.

۱۵. ۲. فصل دوم می پردازد به تصورات مجرد و بسیط که قابل تسری به همه موجودات است و ارسطو آن را مقولات (قاطیقوریاس categories) نامیده است.

۱۵. ۳. فصل سوم می پردازد به ترکیب تصورات بسیط جهت ایجاد تصدیقات یعنی به گفته ارسطو هر منوتیکا (Hermeneutica) و قول فیلسوفان مسلمان العبار، یا التغیر.

مبانی فکری
و فلسفی
ابن سینا

۱۵. ۱. ۴. فصل چهارم ، قضایا را در اشکال مختلف قیاس ترکیب می کند که موضوع آنالو طبقای نخستین (First Analytics) ارسطو یعنی قیاس است.
۱۵. ۱. ۵. از شروط مقدمات که استدلال از آنها آغاز می شود و آنالو طبقای دوّم یا برهان نامیده می شود.
۱۵. ۱. ۶. ماهیت و حدود استدلالهای ظنی را مطرح میسازد که مطابقت دارد با طوبیقا (Topics) در ارسطو که جدل نامیده می شود.
۱۵. ۱. ۷. خطاهای حجت‌های منطقی اعم از عهدی یا غیر آن را عیان می سازد که سفسطه یا مغالطه sophisticii
۱۵. ۱. ۸. هنر اقناع از طریق فنون خطابی است که همان خطابه است که ریطوریکا (Rhetoric)
۱۵. ۱. ۹. هنر ظریف تحریک احساسات و مخیله حضار از طریق جاده های کلمات را تشریح می کند که همان فنون شاعری یا بوطیقا (poetics) در ارسطو است بخشی از ارغنون منطقی است.
۲. روانشناسی: حاوی شرحی منظم از انواع نفوس و قوای تواناییهای آنهاست. طرح کلی طبقه بندی
۱. قوه تغذیه (غذیه): وقتی در جسمی وجود داشته باشد
 ۲. قوه تنمیه (نامیه) آن است که جسم به وسیله آن می تواند بدون آنکه شکل خود را عوض کند به رشد خود ادامه دهد تا آنجا که به بلوغ کامل دست یابد.
 ۳. قوه مولده: آن است که از یک جسم، جزئی مشابه آن از نظر قوه بیرون می کشد که آن جزء قادر است بالفعل اجسام دیگری مشابه آن تولید کند.
۱. شهوانیه (جاذب)
 ۲. غضبیه (دافع)
 ۱. مشهبه (باعثه)
 ۲. فاعلیه (فاعله): مولد حرکات جسمانی در سلسله اعصاب حرکتی و عضلانی قرار دارد.
- | | | |
|-----------------|-------------------------------|---|
| | ۱. بینایی (باصره) | ۱. محرکه ادراک ظاهر حواس پنج گانه |
| بین گرمی و سردی | ۲. شنوایی (سامعه) | ۲. مدرکه (مفکره) |
| بین تر و خشک | ۳. بویایی (شامه) | |
| بین سخت و نرم | ۴. چشایی (ذائقه) بین زبر و | |
| | ۵. بساوایی (لامسه) فرق می نهد | |
| | ۱. مشترک | ۳. عامله = عقل عملی - عقل فاعلی (اخلاق) |
| | ۲. خیال (مصوره) | ۴. عامله = عقل نظری |
| | ۳. متخیله (به قیاس با حیوان) | ۵. ادراک باطن (حواس باطن) |
| | ۴. مفکره (به قیاس با انسان) | |
| | ۵. وهمیه | |
| | ۶. حافظه | |

۱۶. حکمت الهی یا الهیات: ابن سنا در وصف الهیات می گوید:
 الهیات والاترین علم است نسبت به والاترین معلوم صحیح و استوارترین معرفت است علم به اسباب همه موجودات است.

آن را به نامهای مختلف از قبیل فلسفه اولی، فلسفه حقیقی، حکمت مطلق، علم کلی، الهیات، علم اعلی، علم برین، ما بعد الطبیعه

۱۶. ۱. مرتبه الهیات در بین علوم: گرد آورندگان آثار اسطو مباحثی را که معلم اول خود فلسفه اولی نامنده

پس از کتاب فیزیک قرار دادند و به همین جهت نام متافیزیک یعنی «مابعدالبیعه» (ماوراء الطبیعه) بر آن اطلاق کردند.

۱۶. ۲. موضوع الهیات:

موضوع حقیقی الهیات عبارت است از موجود بما هو موجود یعنی موجود از حیث موجود بودن، و این همان نظر معلم اول مقتدای مشائیان است

موجود تنها از آن روی که موجود یعنی نفس موجود بنحو اطلاق و بدون هیچ یک از قیود دارای یک سلسله اعراض و اوصاف ذاتی است که اوصاف مطالب علم دوم را می دهد.

۱۶. ۳. رابطه الهیات با علوم: هر علمی مبتنی است هر یک سلسله مبادی که تحقیق آنها در آن علم میسر نیست.

و این علم الهی است. که به تحقیق درباره چیستی و هستی و در آنهایی پردازد. و از همین جا سیادت و سروری مطلق علم الهی بر عموم علوم معلوم گشته و روشن می شود که اگر علم الهی نباشد، علوم دیگری بر اساس متین استوار نخواهد بود و تکیه گاهی نخواهد داشت. (اساساً مبادی هراخص مسائل علم برتر از آن نیست). مبادی علم طب از مسائل مساحی از مسائل هندسه، و مبادی اصلی از مسائل علم از همان علم الهی از اقسام وجود آغاز می کند، و در تفصیل آن به جایی منتهی می شود که علوم دیگر از آنجا آغاز می یابد. پس تحقیق در مبادی علوم بر عهده این علم است.

۱۶. ۴. مباحث و مسائل الهیات

۱- امور عامه یعنی بحث از اعراض و خواص بما هو موجود را مانند: کلی، جزئی، فعل و قوه واحد کثیر، حالات و قدیم، علت و معلول و ...

۲- بحث الهیات بمعنی اخص که در آن درباره ذات و صفات و افعال الهی است تحقیق می شود.

۱۶. ۵. علت و معلول: هرگاه وجود وابسته به الف و ناشی از آن باشد: الف را علت و ب را معلول الف

↓
ب

انواع علت

۱- علت تامه: وجود آن برای وجود دیگری لازم و کافی باشد.

علت ناقصه: وجود معلول متوقف به آن باشد اما به تنهایی برای پیدایش معلول کافی نباشد که

چهار قسم است.

۱- علت فاعلی: در ساخت تخت نجار علت فاعلی است	شرط وجود
۲- علت فاعلی مادی: در ساخت تخت چوب علت مادی	چهار علت
	مختار بودن
	فاعل است

- ۳- علت فاعلی صوری : صورت تخت علت صوری
 ۴- علت غایی یا علت نهایی نشستن بر تخت علت نمایی است

منابع مورد استفاده

- ۱- دیباجی، سید ابراهیم (۱۳۴۶). ابن سینا به روایت اشکوری و اردکانی تهران : موسسه انتشارات خوارزمی صفحات مختلف کتاب
- ۲- شیخ، سعید (۱۳۶۹). مطالعات تطبیقی در فلسفه اسلام . (ترجمه مصطفی محقق داماد). تهران انتشارات خوارزمی صفحات ۱۵۸-۱۳۰
- ۳- مدرسی چهار دهی ، مرتضی (۱۳۳۵). تاریخ فلسفه اسلام . تهران : موسسه مطبوعات علمی . صفحات ۲۸-۶ ، صفحات ۲۲۰-۱۸۷
- ۴- ورزشکار ، احد (۱۳۸۲). تئوری فلسفی ابن سینا، تهران دانشگاه امام حسین (ع)
- ۵- ابراهیم دنیانی ، غلامحسین (۱۳۶۶) قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی. (جلد دوم) تهران : موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ۶- بوعلی سینا، شیخ رئیس (۱۳۷۰). الهیات نجات. (ترجمه سید یحیی یثربی). تهران : انتشارات فکر روز
- ۷- خوانساری، محمد (۱۳۵۸). فلسفه در ایران. ابن سینا و حکمت مشابه تهران : انتشارات حکمت (۱۷۸-۱۴۳)
- ۸- مطهری مرتضی (۱۳۵۸) آشنایی با علوم اسلامی منطق، فلسفه : تهران انتشارات صدرا (صفحات ۱۵۱-۱۴۱)
- ۹- مقاله از <http://www.farhangsara.com/fion-sina.htm> با عنوان ابن سینا
- ۱۰- مقاله از www.schoolnet.ir/hedayat/student-projects/1-1/amoyi/abuali-htm